

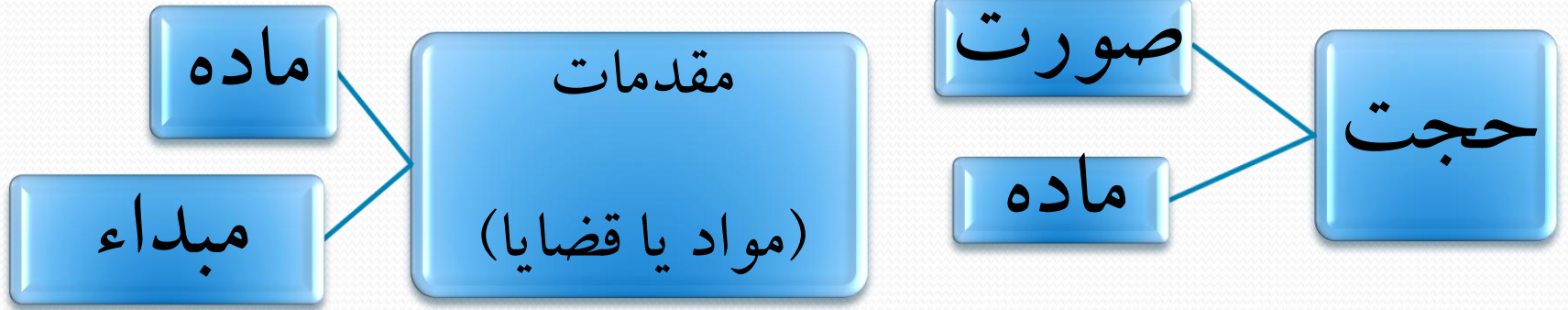
منك أطلبُ الوصولَ اليك

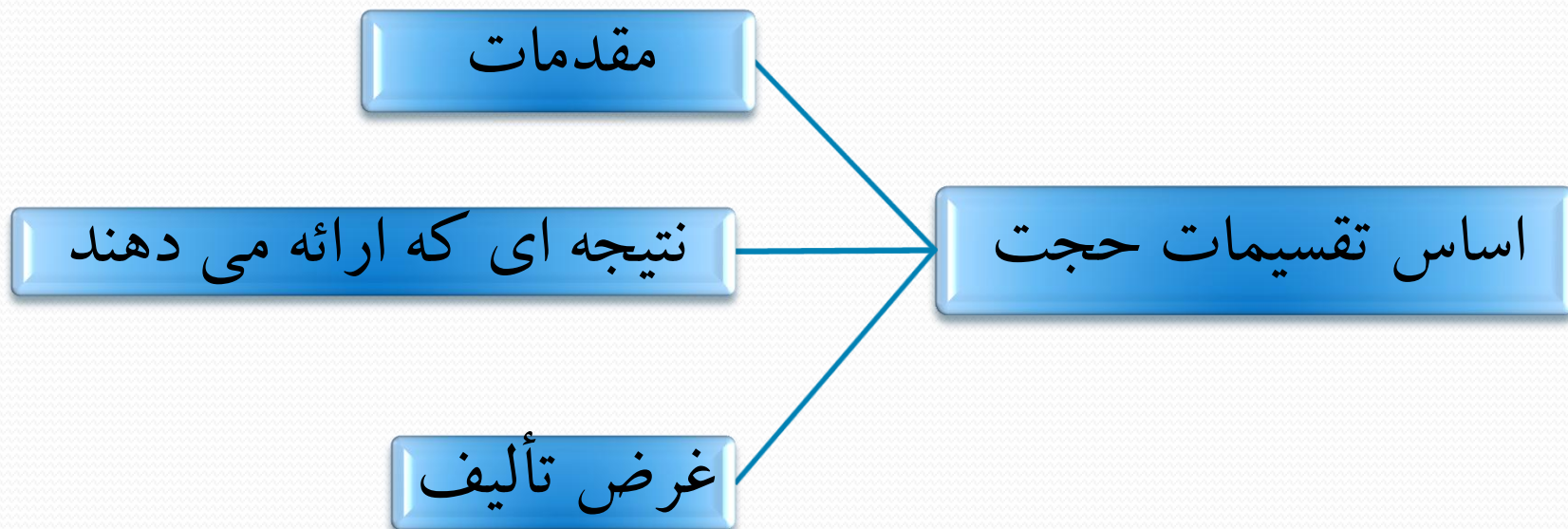
و بك أستدِلُّ عليك

فاهدني بنورك

واقمني بصدق العبودية بين يديك

صناعات خمس





اغراض متکلم

رسیدن به واقعیت

برهان

مغلوب کردن و به تسلیم وادار کردن طرف مقابل است

جدل

اقناع ذهن مخاطب است برای اینکه به کاری وادار شود و یا از کاری بازداشته شود

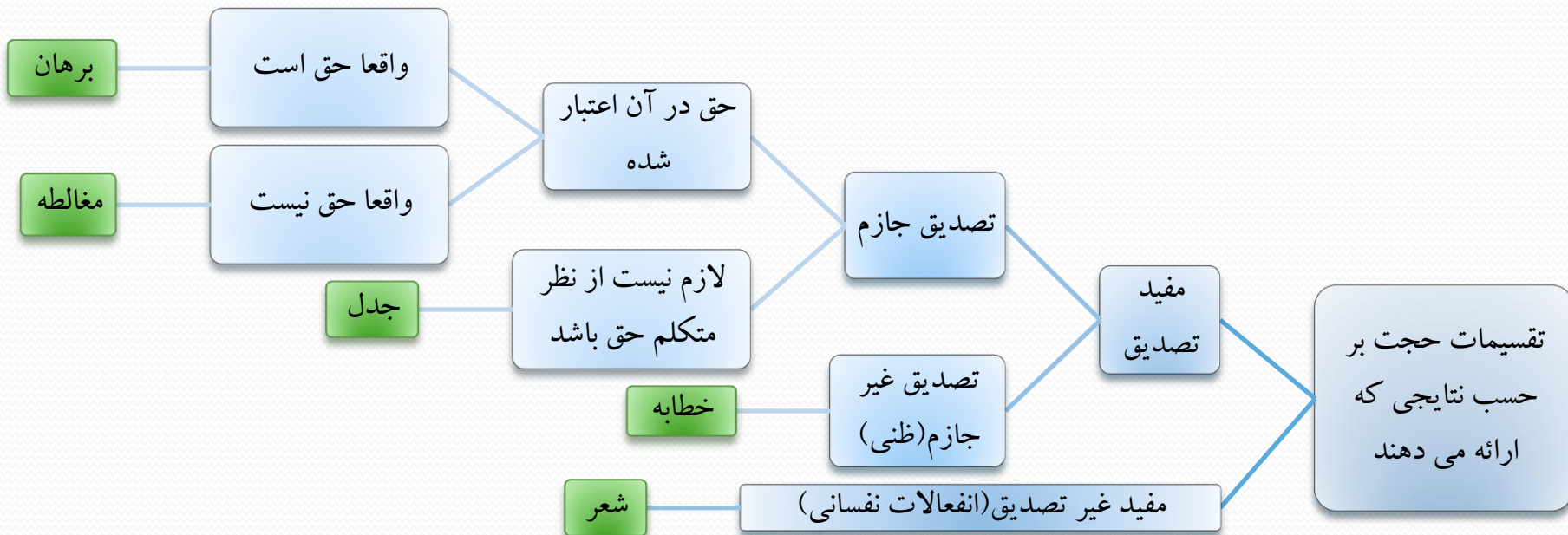
خطابه

گمراه ساختن مخاطب است.

مغالطه

بازی کردن با خیال و احساسات طرف مقابل است تا امر زشتی را در خیال او زیبا و یا امر زیبایی را در نظرش زشت، و یا امر زیبایی را زیباتر و زشتی را زشت تر جلوه دهد

شعر



مبادی (حجت یا مطالب)

یقینیات

مسلمات

مقبولات

مظنونات

مشهورات

وہمیات

مشبہات

مخیلات

اليقين بالمعنى
الاعم



مقبولات

از روی تقلید است

مطابق با
واقع

قطعی و
جازم

احتمال خلاف
نمی دهیم

اعتقاد
(باور یا
تصدیق)

یقین به معنی
الاخص

تقلیدی نیست و از طریق
برهان است و یا بدیهی است

غیر مطابق
با واقع

احتمال
خلاف می
دهیم

جهل مرکب

مظنونات

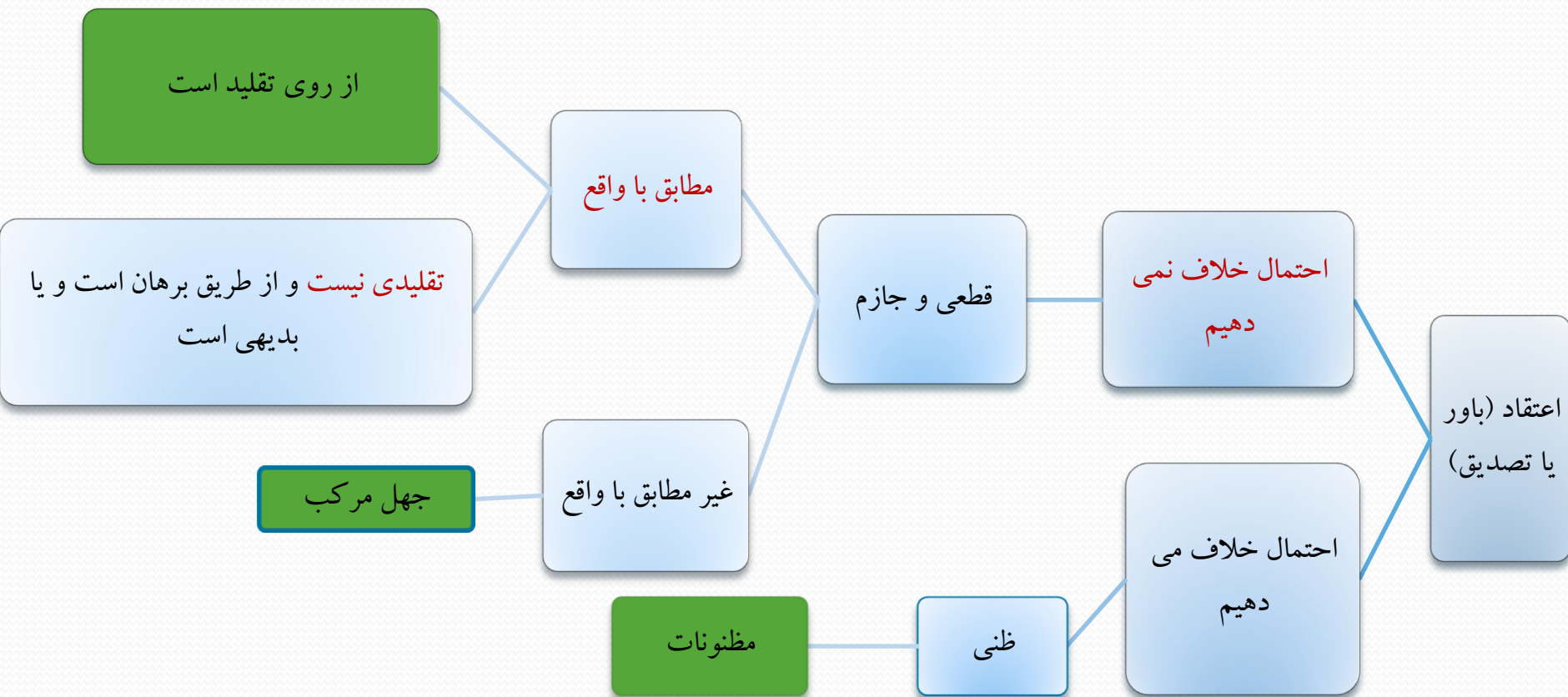
ظنی

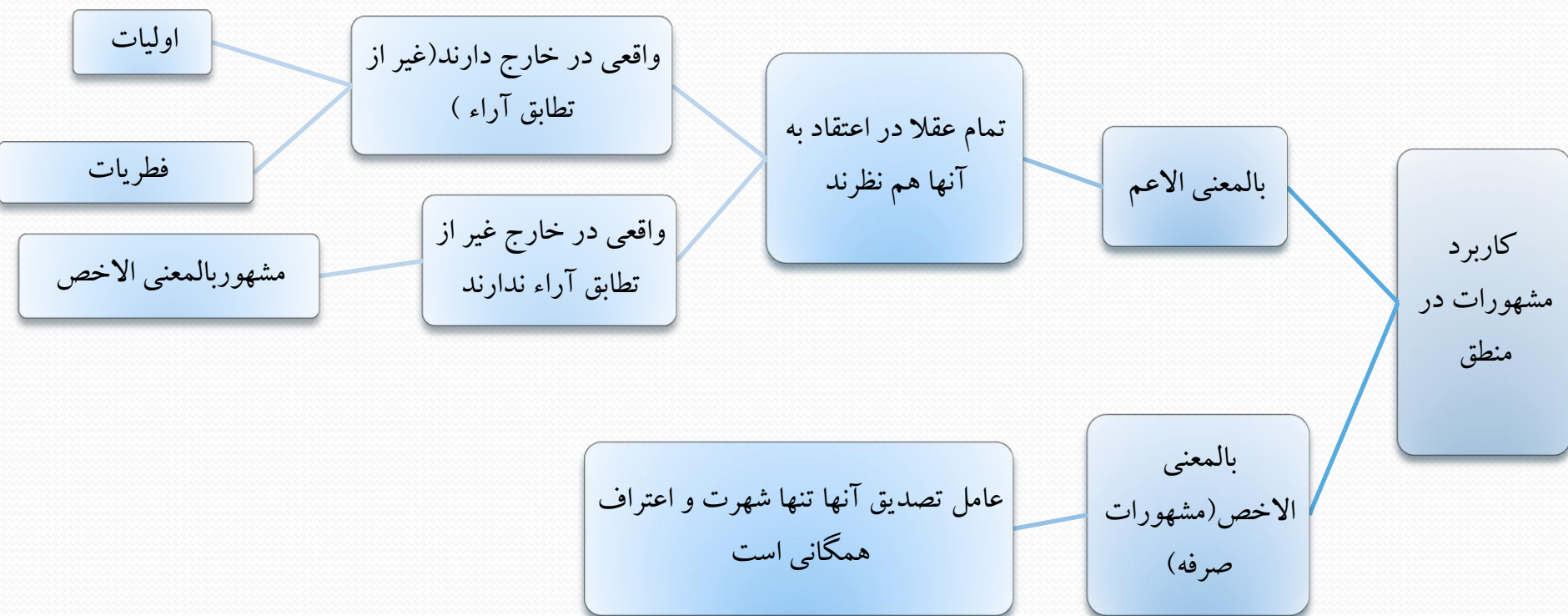
برهانی

بدیهی

یقینات

خانه های سبز رنگ ظن در لغت می باشد





معتبر در یقینیات: مطابقتشان با واقع و نفس الامر است
معتبر در مشهورات: مطابقتشان با توافق آراء است و واقعی در خارج غیر از آن ندارند

در یقینیات: صادق و کاذب داریم
در مشهورات: مشهور و شنیع

هر دو مفید تصدیق جازم هستند

تفاوت

شبهات

مشهورات و یقینیات



مشورات به حسب
اختلاف اسباب
شهرت

الواجبات القبول

مشهور بالمعنى الاعم

سبب شهرت: حقا جليا
(آشكارا با واقع مطابق است)

التاديبات الصلاحيه (الآراء
المحموده)

سبب: مصلحه عامه (حفظ نظام و بقاء نوع)
و قاضى عقل عملى مى باشد

الخلقيات (الآراء المحموده)

سبب از نظر منطقيون: خلق
انسانى (ملكه نفسانى)

سبب از نظر مظفر:
ضمير (وجدان)

الانفعاليات

العاديات

الاستقرائيات

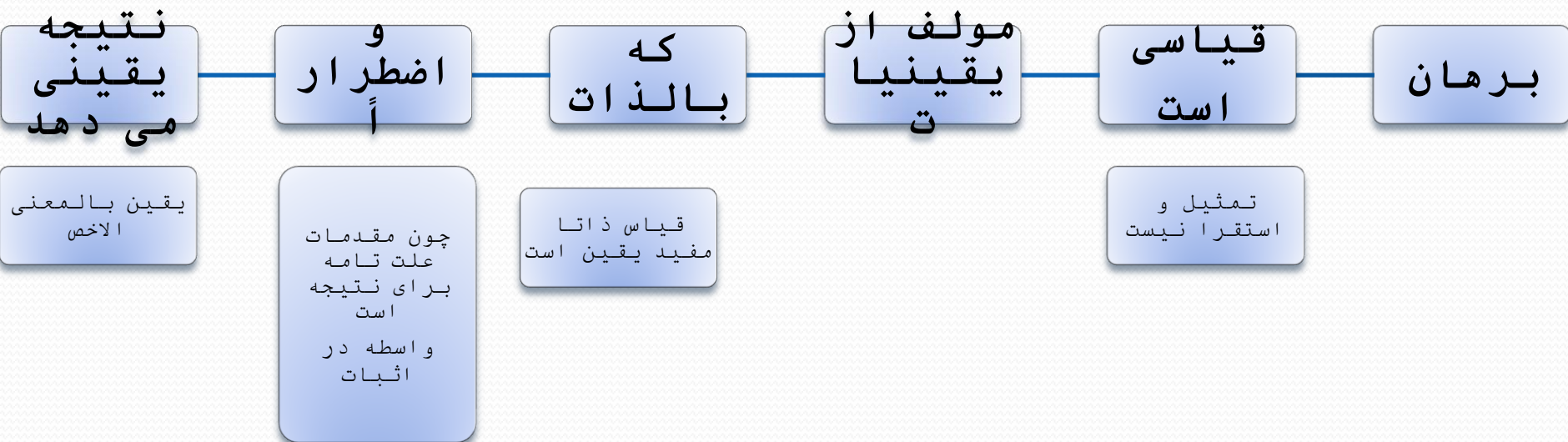
سبب: استقراء تام يا ناقص

منظور از وهم در اینجا قضایی است که در مقابل عقل هستند نه به معنای اعتقاد ۳۰٪









نسبت اکبر به
اصغر

نتیجه

علت

حد وسط

در ذهن
(فی)
التصدیق
(

واسطه
در
اثبات

در خارج
(بالطبع)
(فی)
الوجود)

واسطه در
ثبوت



برهان

حد وسط واسطه در اثبات فقط
حد وسط معلول ثبوت اکبر برای
اصغر

برهان إنّ

دلیل

از وجود معلول به علت
حد وسط معلول اکبر

إنّ مطلق

از وجود یک معلول به معلول دیگر
حد وسط و اکبر معلول یک علتند

حد وسط به
علت نتیجه
است و نه
معلول

حد وسط واسطه در
اثبات و ثبوت معا
حد وسط علت ثبوت
اکبر برای اصغر
(معطی لمیت مطلق)

برهان لم

غیر مطلق

حد وسط معلول
اکبر

حد وسط
معلول اصغر

حد وسط معلول
هیچکدام نیست

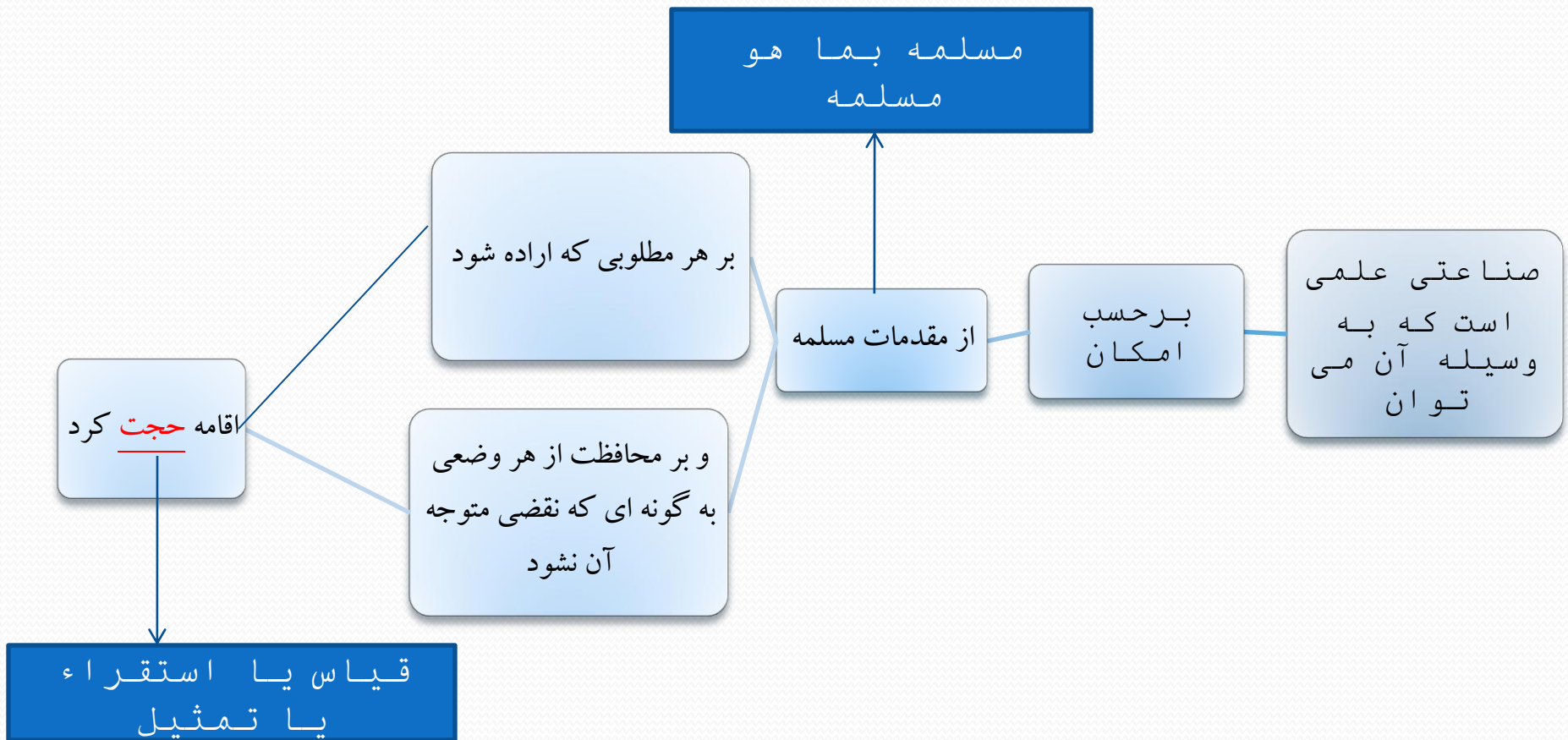
مطلق

حد وسط علت خود اکبر
و علت ثبوت اکبر برای اصغر





تعریف جدل:



فوائد جدل

1- فایده اصلی و بالذات

آراء مفید را تقویت و تأیید نماید

مجادل به وسیله جدل می
تواند

و مبطلین و افسون گران و صاحبان آراء فاسد را ملزم و بر آنها غلبه نماید
به طوری که مردم آن را بفهمند.

2- فواید بالعرض

- ۱- تمرین و تقویت ذهن در تحصیل مقدمات
- ۲- تحصیل حق و یقین در مسائلی که انسان با آن برخورد می کند چون با قوه جدلیه می تواند برای هریک از طرفین ایجاب و سلب مقدمات را بچیند و تشخیص دهد کدام حق و کدام باطل است.
- ۳- تسهیل فهم مصادرات برای نوآموزان
- ۴- برای طالب غلبه بر دشمنان مفید است زیرا او را در محاوره و مخاصمه و حيله گری قوی می سازد پس می تواند بر خصم ضعیف غلبه کند
- ۵- برای رهبران نیز سودمند است تا عقاید پیروانشان را از بدعت گذاران محافظت کنند.
- ۶- برای وکلا که شغلشان دفاع از حقوق مردم است سودمند می باشد.

خطابه

مشاغبه

جدل

سائل

مجيب

الظاهره

شبيه
بالمشهورات

الحقيقه

ناقض

محافظ

مشهورات

مشهورات می
توانند
واقعا حق
باشند اما
استعمال حقی
که مشهور
نیست اشتباه
است و
مغالطه
محسوب می
شود

مسلمات مجیب

ولو از مشهورات نباشد

مشهورات

محدوده

به حسب تسلیم طایفه معینه

مطلقه

مراحل جدل

- ۱- سائل سوالاتی را مطرح می کند که مجیب باید پاسخ دهد. البته باید سوالات از مقصود اصلی نباشد و از دور به تدریج به مقصود نزدیک شود
- ۲- سائل از مجیب، اعتراف به مقدماتی که مستلزم نقض وضعش باشد را می گیرد
- ۳- سائل از اعترافات و مسلمات مجیب یک قیاس جدلی که ناقض وضع مجیب است را تشکیل می دهد
- ۴- مجیب اگر بتواند قیاسی را از مشهوراتی که سائل و جمهور چاره ای جز قبول آن ندارند تشکیل می دهد

روشهای بازگشت مقدمه غیر مشهور به مشهور

1- شهرتش را از مقارنه و مقایسه با مشهور بدست می آورد (مشهوره بالقرائن)

به خاطر تشبه در حدود

مقارنه بین
دو قضیه

یا تقابل در حدود

2- مقدمه منتج از قیاسی است که مفدمات آن مشهوره بوده اند

هر قضیه ای که سائل، عین آن یا مقابل آن را
در سوال می آورد، **مساله جدل** گویند.
بعد از اینکه مجیب به آن اعتراف کرد و سائل
آن را جزئی از قیاسش قرار داد، **مقدمه جدل**
گویند.

قضایایی که بهترست مورد سوال سائل قرار نگیرد:

1- سوال از مشهورات

چون معنای سوال از آن، قرار دادنش در معرض شک و تردید است و این به مجیب جرأت می دهد تا آن را انکار کند. پس سائل باید مشهورات را به عنوان مقدمه، استفاده کند به اعتبار اینکه این مشهورات مسلم اند و چاره ای جز اعتراف به آن نیست.

2- سوال از ماهیت و علیت (لمیت) اشیاء

چون این سوالات مربوط به یادگیری است نه جدل پس باید سوال از معنای لفظ و یا رای و نظر مجیب باشد

مطالب جدول (آنچه که با جدول طلب می
شود) 1102

ادوات جدل: ابزاری است که با به کار گیری و ممارست آنها می توان به ملکه و توانایی جدل دست یافت.

۱- آماده سازی انواع مشهورات از هر باب و ماده ای با همه تنوع و اختلافشان. مشهورات مطلقه و محدوده در نزد هر صنعت و مذهبی را و مشهورات حقیقی و غیر حقیقی را جدا نماید.

۲- توانایی تشخیص معانی مختلف الفاظ مشترک، منقول، مشکک، متواطی، متباین و مترادف

۳- توانایی تمیز بین متشبهات

فایده این ابزار دانستن **فصول و خواص** اشیاء است که به واسطه آن ها **حدود و رسوم** به دست می آید. پس فایده اش برای مجادل این است که مانع مغالطه خصم می شود

۴- توانایی بیان تشابه بین اشیاء مختلف چه تشابه در ذاتیات و چه در عرضیات

چه وجه تشابه امر وجودی باش و چه عدمی؛ چه وجه تشابه نسبت ذاتی باشد چه عارضی

چه نسبت متصله (یک چیز در هر دو قضیه یا منسوب یا منسوب الیه یا یکی منسوب و دیگری منسوب الیه) و چه منفصله (هیچ اشتراکی بین دو طرف قضایا نیست)

فایده: بدست آوردن **حدود و رسوم** اشیاء به واسطه دانستن **جنس و شبه جنس**

الحاق بعض قضایا به یکدیگر در شهرت و یا حکمی دیگر

در جایی که خصم ادعای تفاوت میکند اگر عاجز باشد از آوردن فرق؛ همین عدم فرق دلیل تشابه است و سرایت حکم

موضع در اصطلاح صناعت جدل: اصل یا قاعده کلی که قضایای مشهور از آن گرفته می شود

- موضع میتواند مشهور باشد می تواند نباشد
موضع غیر مشهور (1) اگر یکی از دو ضد در
موضوعی موجود باشد می تواند ضد دیگر در ضد
آن موضوع موجود باشد

موضع غیر مشهور (2) هرگاه چیزی در وقتی از
اوقات یا موضع یا حال یا موضوعی موجود شد
آن چیز به طور مطلق موجود است

- مثال ها در مقایسه با وضع، احکام جزئی
هستند اما به خودی خود احکام کلی مشهور
هستند

چرا اکثر مواضع مشهور نیستند ولی جزئیاتشان مشهور است؟

1- تصور عام نسبت به تصور خاص برای مردم سخت تر و دورتر است

2- عام بیشتر از خاص در معرض نقض قرار دارد .
و نقض خاص مستدعی نقض عام است نه برعکس

سوال: از آنجایی که مواضع اکثرا مشهور نیستند پس فایده بحث از مواضع چیست؟

مواضع محدودتر از مشهوراتی هستند که از آنها منشعب می شود لذا به حافظه سپردن مواضع راحتتر است

وجه تسمیه موضع: 1- موضعی (جایگاهی) برای حفظ و سود بردن است (و نباید آنرا آشکار کند تا در معرض نقض واقع نشود) 2- موضع بحث و نظر واقع می شود

اصطلاح ذاتی

در باب حمل

وصف محمول

ذاتی باب حمل و عروض (عوارض ذاتی) (ذاتی باب علوم) **در مقابل** عرض غریب

ذاتی باب حمل (محمول من صمیمه)

وصف حمل

حمل ذاتی و اولی

در مقابل شایع صناعی

در غیر باب حمل

ذاتی باب علل

در مقابل اتفاقی

در مقابل محمول بالضمیمه
محمولی که برگرفته از صمیم ذات موضوع باشد یعنی برای انتزاع این نوع محمول از موضوع، ذات موضوع کافی است و نیازی به ضمیمه نیست

محمولی است که

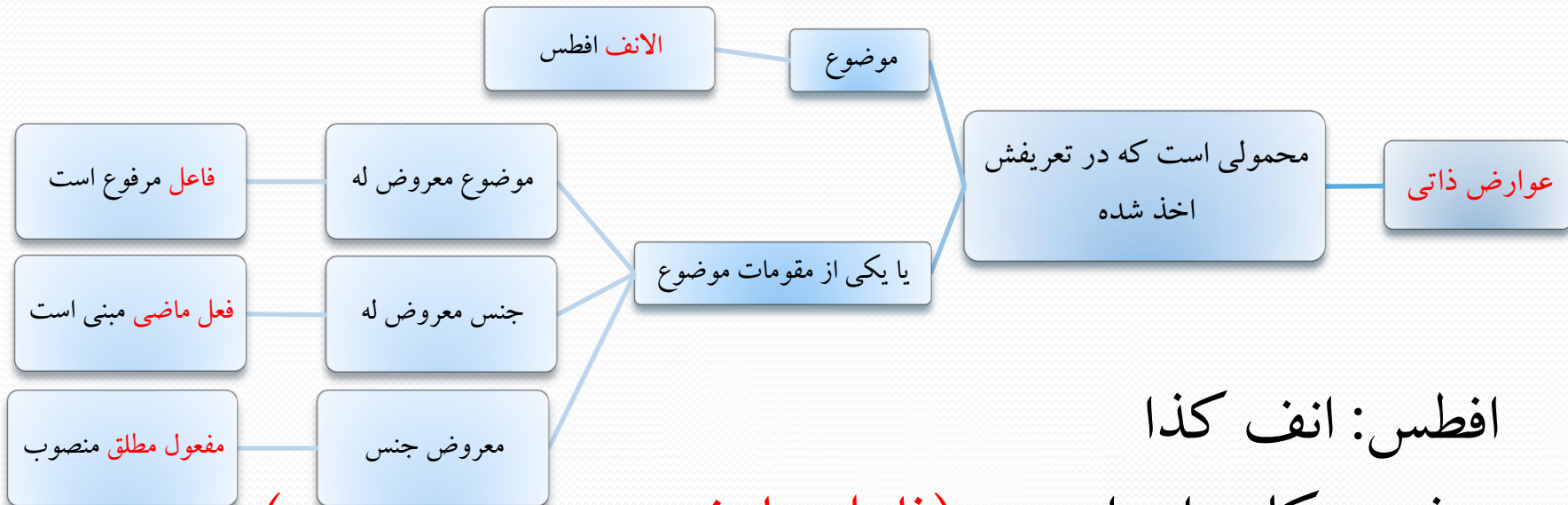
موضوع یا یکی از مقومات موضوع

در مقابل عرضی

محمولی که در

تعریف موضوع به کار می رود

در تعریف آن (محمول) به کار می رود



افطس: انف کذا

مرفوع: کلمه ای است... (فاعل عارض می شود بر کلمه)

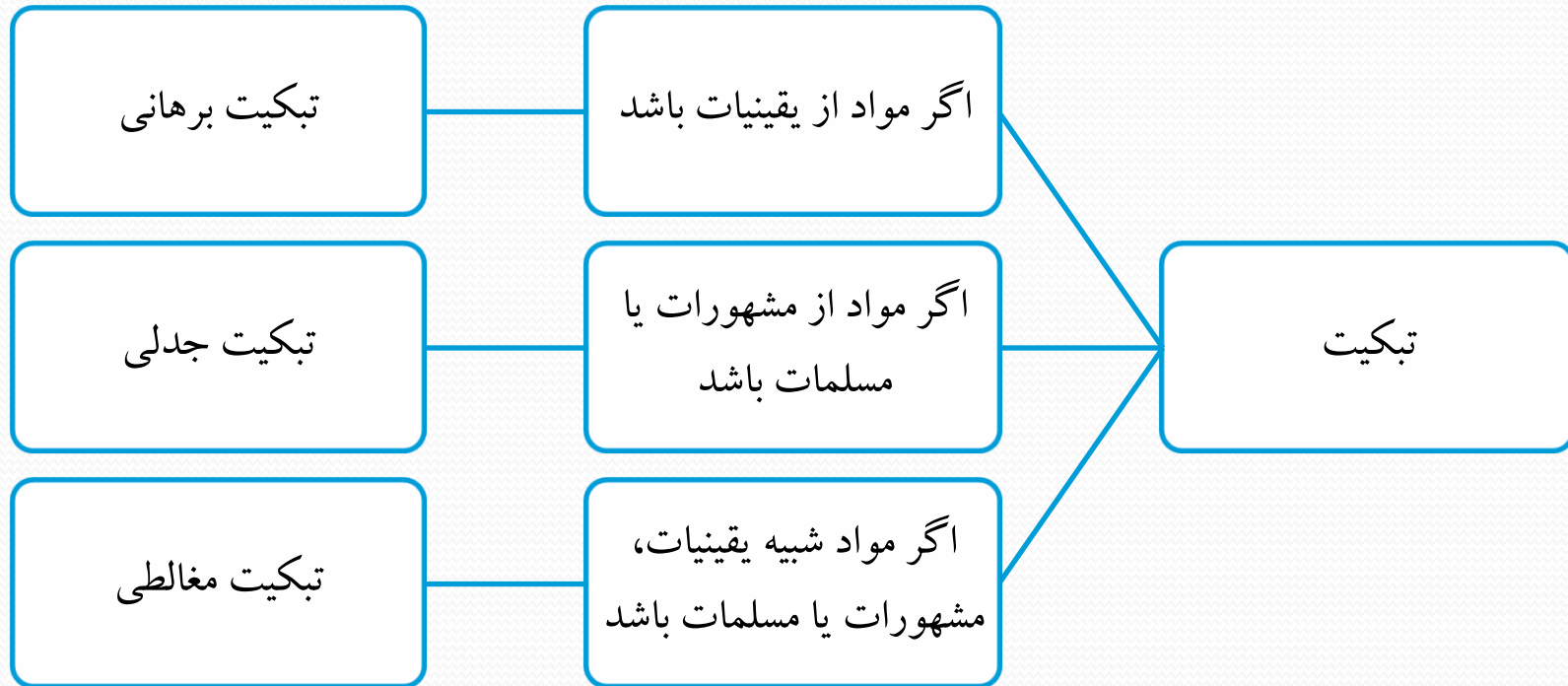
مبنی: کلمه ای است که... (جنس فعل ماضی، کلمه است)

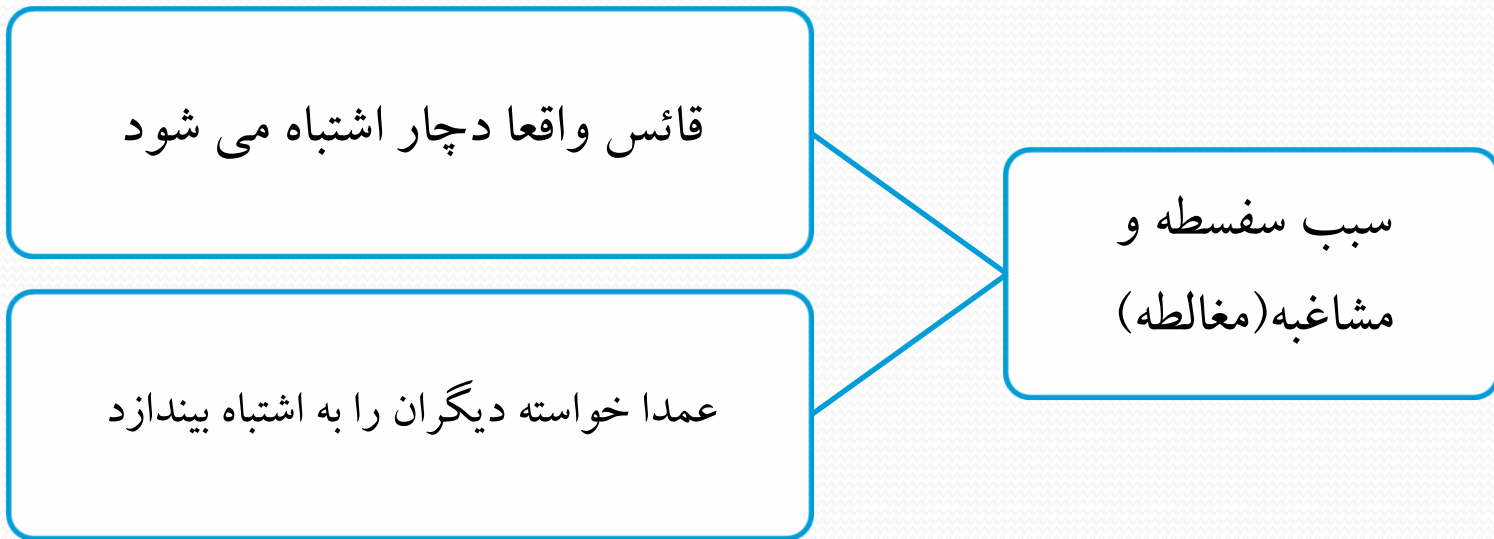
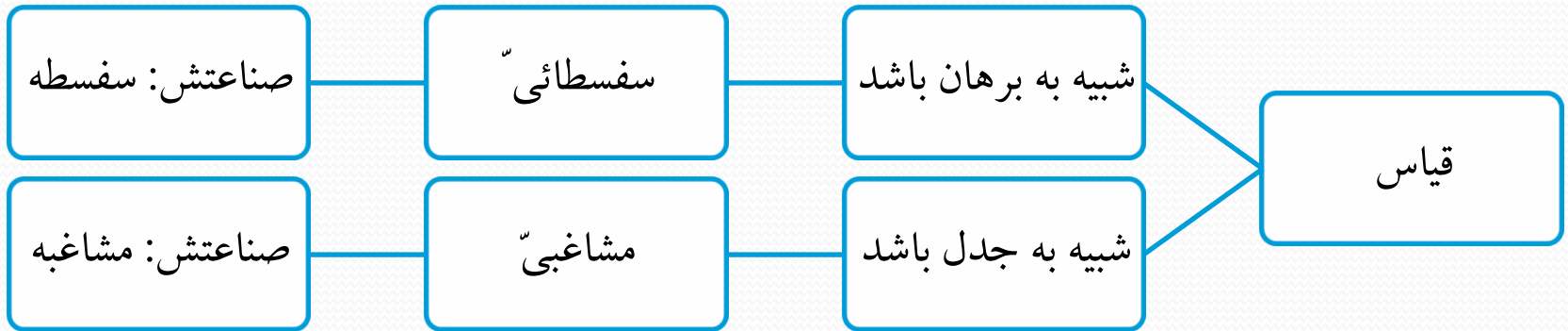
منصوب: کلمه ای است که... (جنس مفعول مطلق، مفعول است و

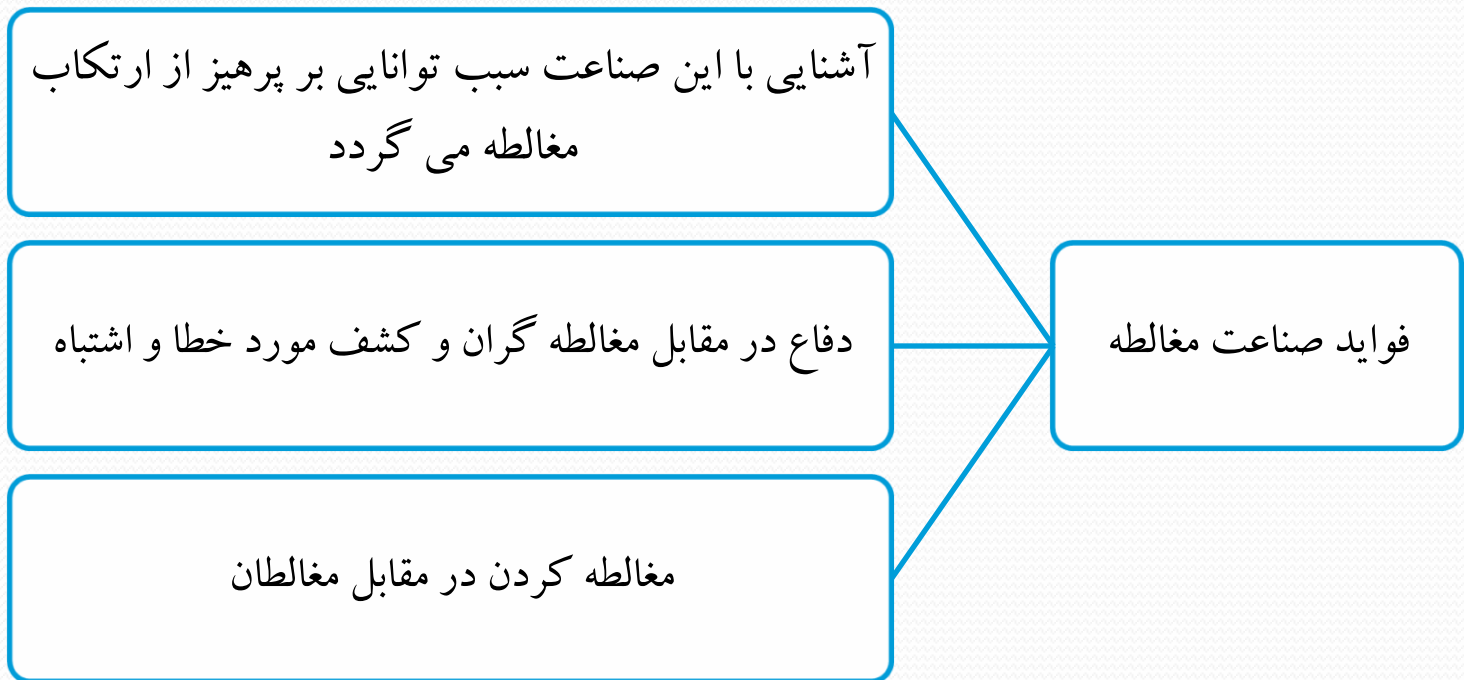
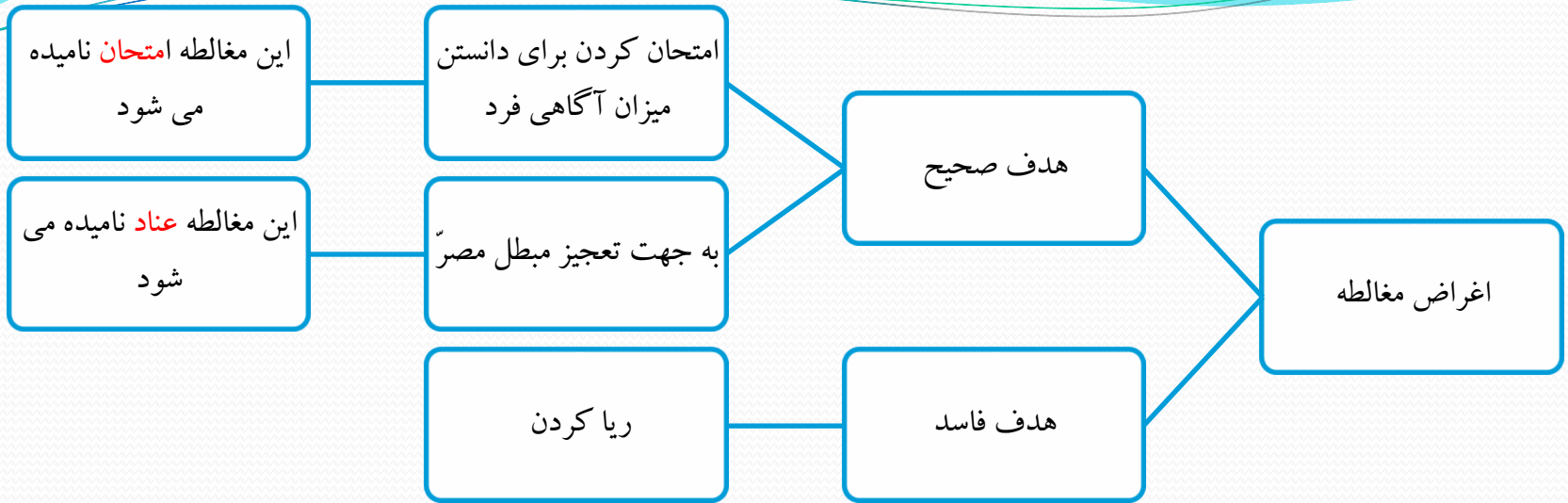
مفعول عرض بر کلمه است)



تبکیت: قیاسی که نتیجه اش باعث نقض یک وضع شود







صناعت مغالطه

موضوع و
مسائلش

محدود به چیز خاصی نیست و شامل هر آنچه که برهان و جدل به آن تعلق میگیرد می شود و مسائلش در ازای مسائل بهان و جدل است

مبادی

شبهه مبادی برهان و جدل : مشبهات و وهمیات
(با این تفاوت که برهان و جدل صناعت حقیقی هستند و مغالطه ظاهری و صوری)

اجزاء مغالطه

اجزاء ذاتی

قضایایی که به ذاته مقتضی مغالطه اند

اجزاء عرضی

اموری خارج از تبکیتم مانند تشنیع و تشویش مخاطب با استهزاء او

اهم
انواع

از جهت لفظ

از جهت معنا

فی نفسہ شنیع و کاذب است اما با
صادقه و مشهور اشتباه شده

از جهت ماده

یکی از مقدمات همان نتیجه است اما
گمان می شود متفاوت است (مصادره
به مطلوب)

از جهت صورت

مقدمات اعراف از نتیجه نیستند اما
گمان می شود هستند

از هر دو جهت

در خود
تبکیت (مغالطی)

در قضیه بدون تشکیل
قیاس

غلط



انواع مغالطه

لفظی

معنوی

مفرد

مركب

اشتباه در جوهر لفظ از جهت اشتراک بین چند معنا
(اشتراک الاسم)

اشتراک لفظی، نقل، مجاز، استعاره، تشبیه، تشابه، اطلاق، تقیید و... تصریف

تذکیر و تانیث
اسم فاعل و مفعول

اشتباه در ساختار ذاتی لفظ به خاطر اتحاد شکلی
(مغالطه فی هیئته اللفظ الذاتیه)

اشتباه در ساختار لفظ به سبب امور خارجی مثل اعراب و نقطه گذاری
(مغالطه فی الاعراب و الاعجام)

خود ترکیب سبب مغالطه است و در تک تک الفاظ اشتباهی نیست
(ممارات)

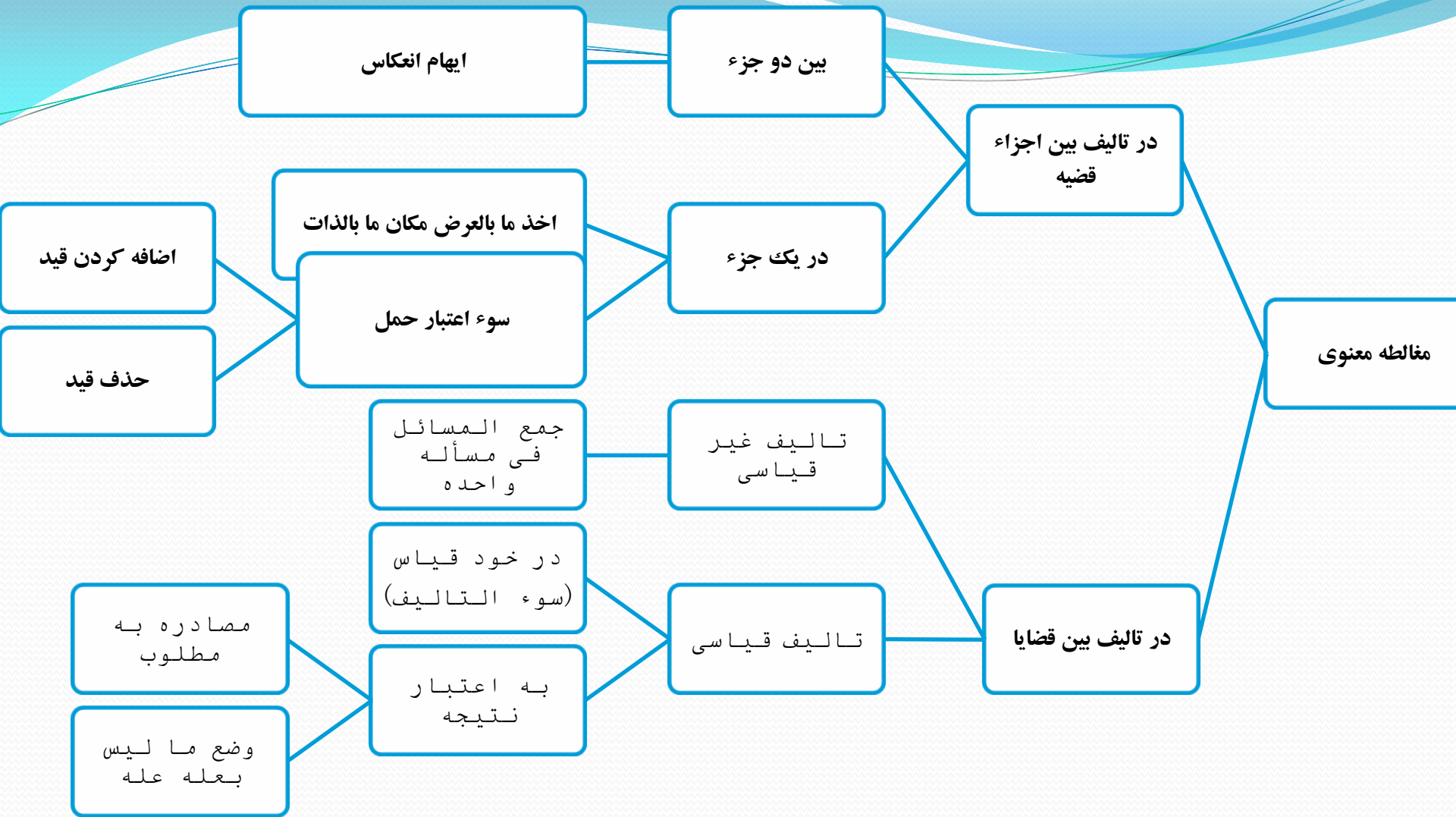
مثل ابهام در مرجع ضمیر
توریه و استخدام جزو آرایه های بدیعی است که از این دست می باشد

گمان وجود ترکیب
(ترکیب مفصل)
شیخ طوسی: اشتراک القسمة

موضوع دارای اجزاء

محمول دارای اجزاء

گمان عدم ترکیب
(تفصیل مرکب)
شیخ طوسی: اشتراک التالیف



ایهام انعکاس

بین دو جزء

در تالیف بین اجزاء
قضیه

در یک جزء

اخذ ما بالعرض مکان ما بالذات

سوء اعتبار حمل

اضافه کردن قید

حذف قید

مغالطه معنوی

تالیف غیر
قیاسی

جمع المسائل
فی مسأله
واحده

در تالیف بین قضایا

تالیف قیاسی

در خود قیاس
(سوء التالیف)

به اعتبار
نتیجه

مصادر به
مطلوب

وضع ما لیس
بعله